

دفاعیه از سیاستی متفاوت در باره ایران

نوشته پل شفر و جری زومر

"دولت آمریکا به دفعات متعدد هنگام ارائه دلایل جنگ، اطلاعات سرویس‌های اطلاعاتی را به عنوان حقایق جلوه داده است در حالی که این اطلاعات در واقع اثبات‌نشده‌اند یا متناقض‌اند و یا این که اصلاً وجود خارجی نداشتند. با این کار به مردم آمریکا باورانده شد که تهدید از سوی ایران به مراتب بیشتر از واقعیت است!"^۱

سخنان جی راکفلر، رئیس کمیسیون سرویس‌های اطلاعاتی سنای ایالات متحده آمریکا در تاریخ ۵ ژوئن ۲۰۰۸، هنگام ارائه یکی از گزارش‌های کمیسیون درباره تهیه مقدمات جنگ در عراق.

اکنون باراک اوباما بیش از یک سال رئیس جمهور است. اما بسیاری جنبه‌های سیاست او در مورد ایران یادآور رئیس جمهور پیشین است: امکانات رسیدن به مصالحه سیاسی به اندازه کافی بررسی نمی‌شود زیرا هدف ایالات متحده، به پیش بردن مواضع حداکثری است. این امر هم در مورد تبادل اورانیوم غنی شده ضعیف در برابر میله‌های سوختی برای رآکتور تحقیقاتی تهران مصداق دارد که در آن برای مصارف پزشکی ایزوتوپ تولید می‌شود، و هم در رابطه با مسئله بسیار مهم تر غنی‌سازی اورانیوم در ایران به طور اعم. به جای بررسی امکانات مصالحه - چه در شورای امنیت سازمان ملل و چه در چهارچوب "ائتلاف‌های داوطلبان"^۲ - در مورد تحریم‌های شدید تر بحث و تلاش می‌شود که این تحریم‌ها به اجرا در آید. هم‌چنین گزینه نظامی مشخصاً روی میز نگاه داشته می‌شود. در حال حاضر حامیان اقدام نظامی بار دیگر بلندتر بر طبل جنگ می‌کوبند.

متأسفانه همه این نتایج قابل پیش‌بینی بود. زیرا دولت اوباما و جامعه بین‌المللی راهبردهای خود را به طور واقعی تغییر نداده‌اند. نحوه‌ی گفتار متفاوت است اما سیاست تغییر نکرده‌است و این امر برای یافتن راه خروج از بن‌بست مناقشه بر سر برنامه هسته‌ای ایران کافی نیست. اما ادامه سیاست تحریم و تهدید به اقدام نظامی نه تنها باعث طولانی شدن بن‌بست خواهد شد بلکه تشنجات را چه در رابطه با ایران و چه در کل منطقه خاور میانه و نزدیک تشدید خواهد کرد و در عین حال ادامه

^۱ برگرفته از سی ان ان، به تاریخ ۵ ژوئیه ۲۰۰۸ با عنوان: "[Senate report slams Bush over prewar intelligence](#)"
^۲ پانویس مترجم: coalition of the willing شامل کشورهایی است که در سال ۲۰۰۳ از مداخله نظامی ایالات متحده آمریکا در عراق از لحاظ نظامی و سیاسی حمایت کردند.

این سیاست، اپوزیسیون دموکرات در ایران را نیز - که علیه سرکوب آزادی عقیده و اجتماعات و استبداد دولتی فعالیت می کند - مورد تهدید قرار می دهد.

سیاستی مورد نیاز است که پرده‌ی ایدئولوژی جلوی دیدش را نگرفته باشد، بلکه متکی بر واقعیت موجود باشد.

۱- آغاز مجدد مذاکره در مورد میله‌های سوختی برای رآکتور تحقیقاتی تهران

ایران در ماه فوریه در تأسیسات پایلوت غنی‌سازی نطنز آغاز به غنی‌سازی تا سطح ۱۹/۷۵ درصد کرد. تا این تاریخ در نطنز غنی‌سازی سبک تا سطح ۳/۵ درصد انجام می شد. غنی‌سازی ۱۹/۷۵ درصد برای تولید میله‌های سوختی رآکتور تحقیقاتی کوچک در تهران مورد نیاز است که در آن ایزوتوپ‌های پزشکی برای درمان ۸۵۰ ۰۰۰ بیمار سرطانی در ایران تولید می شود. غنی - سازی در سطح ۱۹/۷۵ درصد هنوز با غنی‌سازی مورد نیاز برای سلاح‌های هسته‌ئی به میزان بیش از ۹۰ درصد فاصله بسیاری دارد. اما ایران با این کار می تواند دانش فنی برای غنی‌سازی در سطوح بالاتر را بیاموزد. و علاوه بر آن اگر ایران اورانیوم غنی شده در سطح ۱۹/۷۵ درصد را با میله‌های سوختی مورد نیاز در رآکتور تحقیقاتی مبادله نکند، مواد اولیه مناسب‌تری برای تولید بمب هسته - ای در اختیار خواهد داشت.

بهترین راه برای حذف این امکانات فنی بالقوه و در نتیجه، کاهش نگرانی گسترده در باره احتمال وجود برنامه سلاح اتمی در ایران آن است که ایران غنی‌سازی در سطح ۱۹/۷۵ درصد را انجام ندهد و یا در اسرع وقت برنامه غنی‌سازی را متوقف کند.

مقامات عالی رتبه ایران بارها اعلام کرده‌اند که آمادگی دارند، میله‌های سوختی مورد نیاز خود را خریداری کنند و با اورانیوم غنی شده در سطح ۳/۵ درصد مبادله کنند. به عنوان مثال محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران، در ۱۶ فوریه ۲۰۱۰ اعلام کرد: "ما آمادگی داریم سوخت را در چهارچوبی عادلانه مبادله کنیم".

می‌بایست بلافاصله از آمادگی ایران استفاده کرد و در مذاکراتی جدی و با انعطاف در پی مصالحه بود. اما در مقابل، تلاش برای تحمیل برنامه تبادل سوخت به ایران که توسط مدیر کل آژانس بین -

المللی انرژی اتمی، روسیه، فرانسه و ایالات متحده آمریکا تهیه و بر روی میز مذاکره گذاشته شده بود، بی نتیجه است. هر چند هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا، ادعا می کند: "در مذاکرات باز است. ما هرگز این در را نبسته ایم"^۳. اما ایالات متحده آمریکا و متحدان غربی اش طی ماه‌های گذشته حتی از گفتگو در باره تغییرات مورد نظر ایران در برنامه تبادل سوخت آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای امتناع کرده‌اند. این امر در واقع شبیه به دیکته کردن به ایران به روش نواستعماری است. چنین رفتار لجوجانه‌ئی با گفته‌ی باراک اوباما کاملاً متناقض است که گفته بود آماده است با ایران "بدون پیش شرط و با احترام متقابل به جلو گام بردارد"^۴. علاوه بر آن چنین موضعی غیرواقع‌بینانه و اساساً نادرست است.

طی مذاکره گروه موسوم به پنج به علاوه ۱ (ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، بریتانیای کبیر و آلمان) در تاریخ ۱ اکتبر ۲۰۰۹ در ژنو که اولین مذاکره با ایران پس از مدتی طولانی بود، توافق "اساسی" در مورد تبادل اورانیوم غنی شده ضعیف (۳/۵ درصد) با میله‌های سوخت مورد نیاز رآکتور تحقیقاتی حاصل شد.

اما در مذاکرات بعد از آن که به سرپرستی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی میان ایران، روسیه، فرانسه و ایالات متحده آمریکا انجام شد، در مورد جزئیات امر توافقی به دست نیامد. آژانس برنامه تهیه شده توسط روسیه، فرانسه و ایالات متحده آمریکا را ارائه کرد که بر اساس آن ایران می‌بایست در وحله نخست ۱۲۰۰ کیلو اورانیوم غنی شده ضعیف را به روسیه صادر کند. سپس قرار بود که روسیه این محموله را پس از غنی‌سازی تا سطح ۱۹/۷۵ درصد، از روسیه به فرانسه ارسال کند تا در آن جا به میله‌های سوخت تبدیل شود. قرار بود این میله‌ها طی مدت زمانی حدود ۹ تا ۱۲ ماه پس از صدور اورانیوم غنی شده ضعیف توسط ایران، به تهران تحویل داده شود.

نماینده ایران در مذاکرات ژنو بدون نفی برنامه پیشنهادی آژانس در همان زمان اعلام کرده بود که ایران خواستار مبادله هم‌زمان اورانیوم غنی شده ضعیف با میله‌های سوخت است. متعاقب آن دولت ایران در داخل کشور به اتخاذ مواضع "نرم" متهم شد و تحت فشار قرار گرفت. هم سیاست‌مداران عالیرتبه اصلاح‌طلب - مانند موسوی - و هم منتقدان احمدی‌نژاد در طیف محافظه‌کار که فکر می‌کردند ایران با برنامه پیشنهادی آژانس موافقت کرده‌است، این موضع را محکوم کردند. به

^۳ هیلاری کلینتون در برزیل، برگرفته از اخبار آسوشیئد پرس مورخ ۳ مارس ۲۰۱۰:

„Brazil rebuffs US, says it will go own way on Iran“

^۴ سخنرانی باراک اوباما در قاهره در تاریخ ۳ ژوئن ۲۰۰۹: Barack Obama, Rede in Kairo am 3.Juni 2009

عنوان مثال موسوی با شور و هیجان اعلام کرد که برنامه آژانس تلاش‌های هزاران دانشمند ایرانی را بر باد خواهد داد.

یقیناً اصلاح‌طلبان از یک سو نگران بودند که دستیابی به موافقت‌نامه‌ی میان ایران و جامعه بین‌المللی که تشنج در روابط بین‌المللی ایران را بکاهد، در داخل کشور به سود احمدی‌نژاد و به ضرر اپوزیسیون خواهد بود. اما از سوی دیگر منتقدان اعتراض می‌کردند که ایران باید بر اساس برنامه آژانس پیشاپیش اقداماتی انجام دهد و به این دلیل این برنامه به هیچ وجه در بردارنده تضمینی برای تحویل میله‌های سوخت نیست. دولت نیز همین نگرانی را داشت که بی‌دلیل هم نبود زیرا فرانسه و ایالات متحده آمریکا در گذشته به تعهدات خود برای تحویل مواد هسته‌ای عمل نکرده بودند. چندی پیش هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا مجدداً مخالفت خود را به از سرگیری کار نیروگاه هسته‌ای بوشهر که توسط روسیه ساخته شده است، اعلام کرد. در عین حال هر دو کشور ایالات متحده آمریکا و فرانسه در ماه اکتبر و پیش از آن اعلام کرده بودند که در پی تحریم‌های اساسی علیه ایران‌اند و در نتیجه در ایران این نگرانی به وجود آمد که امر تحویل میله‌های سوختی نیز می‌تواند در آینده شامل این تحریم‌ها شود. رفتار روسیه در مورد نیروگاه اتمی بوشهر نیز که راه‌اندازی آن به دفعات متعدد به دلایل سیاسی به تعویق افتاده است، موجب بی‌اعتمادی شد. هم‌اکنون رهبری ایران به سیاستی (مجدداً) رو آورده است که در داخل کشور قابل دفاع باشد و به شرطی با تبادل اورانیوم غنی شده ضعیف با میله‌های سوختی موافقت خواهد کرد که این تبادل "به طور هم‌زمان در یک و یا چندین مرحله در خاک جمهوری اسلامی ایران"^۵ انجام شود. ایران در مقابل، موافقت خواهد کرد که ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ضعیف بلافاصله از سوی آژانس مهر و موم و به طور ۲۴ ساعته نظارت شود.^۶

این پیشنهاد از سوی ایالات متحده آمریکا، آلمان و فرانسه پذیرفته نشد چون ایران در این صورت در ابتدا ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ضعیف را از ایران خارج نخواهد کرد و بدین ترتیب همواره امکان تولید اورانیوم غنی شده با درصد بالا برای یک بمب اتمی را در اختیار خواهد داشت در حالی که هدف آن است که این امکان - لاقلاً برای مدتی کوتاه - از دست

^۵ نامه نمایندگی دائم ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به مدیرکل آژانس مورخ ۱۸ فوریه ۲۰۱۰

^۶ مقایسه کنید با اظهارات علی اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در تاریخ ۱۷ مارس ۲۰۱۰، برگرفته از روزنامه تهران تایمر در تاریخ ۱۸ مارس ۲۰۱۰

ایران خارج شود زیرا برای تولید ماده انفجاری یک بمب نیاز به حدود ۱۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ضعیف است. ایران در اکتبر سال گذشته حدود ۱۸۰۰ کیلوگرم و در ماه فوریه ۲۰۱۰ حدود ۲۰۵۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ضعیف در اختیار داشت.

برنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بالاترید این امتیاز را داشت که ایران اگر هم در پی تولید بمب اتمی باشد، برای مدتی فاقد اورانیوم غنی شده به میزان کافی خواهد بود. اما نخست آن که این مدت زمان نسبتاً کوتاه بود، زیرا ایران در طی ۳ تا ۶ ماه می‌توانست مجدداً تا مرز ۱۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده تولید کند. دوم آن که اگر هم تصور کنیم که ایران واقعاً در پی بمب اتمی است، امکان ضعیفی وجود دارد که ایران تولید بمب اتمی را با میزان مواد اولیه‌ی آغاز کند که فقط برای یک یا دو کلاهک انفجاری کافی باشد. احتمال قوی‌تر آن است که ایران صبر کند تا اورانیوم غنی شده‌اش به میزانی برسد که برای "اقدامی جهشی" کافی باشد.

"امتیازات" برنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که آمریکا سرسختانه در پی آن بود، کمتر از نکات منفی آن است: ایران در صورت عدم حصول توافق در زمینه‌ی مبادله، مستقلاً به غنی‌سازی ۱۹/۷۵ درصدی ادامه خواهد داد و از لحاظ فن‌آوری به بمب یک قدم نزدیک‌تر خواهد شد. به همین دلیل اگر واقعاً نگرانی در باره قصد ایران به ساخت سلاح اتمی وجود داشته باشد بایستی مستقیماً وارد مذاکره با ایران شد. اعتقاد روسیه و چین نیز بر آن است که از امکانات دیپلماتیک هنوز به طور کامل استفاده نشده است. حتی پذیرش پیشنهاد ایران برای مبادله نیز بهتر است از آن که همه چیز به روال فعلی ادامه یابد. اما یک شرط بایستی از سوی جامعه بین‌الملل گذاشته شود و آن این که اورانیوم غنی شده تا سطح ۱۹/۷۵ درصدی که ایران از اوائل ماه فوریه تا کنون تولید کرده است، در این مبادله ملحوظ شود هر چند این اورانیوم نیز همانند اورانیوم غنی شده ضعیف تحت نظارت مستقیم آژانس قرار دارد.

۲- تحریم‌ها در بهترین حالت بی‌تأثیرند و در بدترین حالت مضر

تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران تاکنون عمدتاً شامل ممنوعیت صادرات کالاهای مرتبط با برنامه‌های سلاح‌های هسته‌ای و توسعه موشکی است. بدین منظور ممنوعیت سفر و مسدود کردن

حساب‌های بانکی متعلق به برخی اشخاص و شرکت‌های مرتبط با این برنامه‌ها نیز وضع شده‌است. ایالات متحده آمریکا در نظر دارد با حمایت بریتانیای کبیر، فرانسه و آلمان، تحریم‌های وسیع‌تری را در شورای امنیت علیه ایران به تصویب برساند و یا به همراه کشورهای عضو "ائتلاف داوطلبان" به اجرا در آورد. هیلاری کلینتون دلایل این موضع را چنین اعلام کرد: "ایران فقط در صورتی با حسن نیت (in good faith) مذاکره خواهد کرد که بتوانیم تحریم‌ها را در شورای امنیت سازمان ملل متحد به تصویب برسانیم"⁷.

نخست باید پرسید که از دید کلینتون "حسن نیت ایران" چگونه اثبات می‌شود. به نظر می‌رسد که در مورد مسئله تبادل اورانیوم غنی شده ضعیف در مقابل میله‌های سوخت برای رآکتور تحقیقاتی تهران، راه اثبات حسن نیت برای ایران پذیرش بدون قید و شرط پیشنهاد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باشد. در مورد مسئله بسیار مهم‌تر غنی‌سازی در ایران نیز به نظر می‌رسد که انتظارات کلینتون بسیار زیاد باشد و راه اثبات حسن نیت را تن دادن ایران به خواسته قطعنامه شورای امنیت مبنی بر پایان دادن به غنی‌سازی بداند.

آیا رسیدن به این اهداف با تحریم‌های گسترده‌تر - هر چه که باشد - ممکن است؟ این امر به نظر بسیار غیرمحمول می‌رسد و به خصوص پذیرش تعلیق غنی‌سازی از سوی ایران نیز نامحتمل به نظر می‌رسد. دلیل مشهود این امر مقاومتی است که در ماه اکتبر سال گذشته در داخل ایران علیه برنامه آژانس برای مبادله هسته‌ئی شکل گرفت. اکثریت مطلق نخبگان در ایران که شامل سیاست‌مداران اصلاح‌طلب مانند موسوی نیز می‌شد، مخالف تعلیق غنی‌سازی بودند. غنی‌سازی به نمادی برای پیشرفت فن‌آوری ایران، اعتبار بین‌المللی و استقلال ملی بدل شده‌است. اکثریت عظیم مردم ایران در نظر سنجی‌ها موافق غنی‌سازی هستند و به همین یک دلیل می‌توان امید برخی از سیاست‌مداران غربی را غیرواقعی دانست که امیدوارند تحریم‌های گسترده‌تر به تغییر دولت در ایران کمک کند و تصور می‌کنند با تغییر دولت مناقشه هسته‌ئی منتفی می‌شود. در واقع عکس این امر مصداق دارد زیرا دولت حاکم احتمالاً از تحریم‌های جدید با موفقیت استفاده می‌کند و با توسل به حمله خارجی، مواضع خود را تقویت و فضای حرکت اپوزیسیون دموکراسی‌طلب را تنگ خواهد کرد.

⁷ هیلاری کلینتون در برزیل: بر گرفته از اخبار آسوشیتد پرس مورخ ۳ مارس ۲۰۱۰:

[„Brazil rebuffs US, says it will go own way on Iran“](#)

علاوه بر آن باید در نظر داشت که جنبش اصلاحات در ایران صراحتاً علیه تحریم‌های بیشتر و نیز علیه "اقدام نظامی علیه ایران" اعلام موضع کرده‌است. در ماه سپتامبر گذشته میرحسین موسوی، رهبر اپوزیسیون، علیه تحریم‌ها اعلام نظر کرد، زیرا "این تحریم‌ها مایه رنج ملتی خواهد شد که از داشتن دولتمردان بسیار بد خود به اندازه کافی در رنج هستند"^۸. شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل نیز چنین هشدار می‌دهد: "ما مخالف حمله نظامی و یا تحریم هستیم زیرا به مردم کشورمان صدمه وارد می‌کند"^۹. برآورد ابوالحسن بنی‌صدر، نخستین رئیس‌جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب سال ۱۹۷۹ که امروز از جمله سیاستمداران تبعیدی است و در پاریس زندگی می‌کند چنین است: "تحریم‌ها نتیجه عکس خواهد داشت، زیرا برای رژیم ایران تهدید شدن به یک بحران بین-المللی تنها دلیل باقیمانده برای مشروعیت‌بخشی به قدرت مستبدانه‌اش خواهد بود"^{۱۰}.

افزون بر آن میان حامیان تحریم در کشورهای غربی اختلاف نظر وجود دارد. هیلاری کلینتون در آغاز سال گذشته خواستار تحریم‌های "فلج‌کننده" در صورت عدم توقف غنی‌سازی از سوی ایران شد. در حالی که این هدف از سوی دولت اسرائیل و محافظه‌کاران اصول‌گرا در غرب دنبال می‌شود، دولت آمریکا مدتی است که - لاقلاً به طور شفاهی - مجدداً به تحریم‌های "هوشمندانه" بازگشته است و تلاش می‌کند این تحریم‌ها را در سازمان ملل به کرسی بنشاند. ظاهراً هدف آن است که تحریم‌ها باعث رنج ملت نشود. این تحریم‌ها قرار است که خصوصاً علیه سپاه پاسداران ایران به کار گرفته شود، زیرا سپاه هم مسئول برنامه هسته‌ای و هم مسئول سرکوب اپوزیسیون شمرده می‌شود. اما با توجه به آن که کنسرسیوم‌های بسیاری و از جمله شرکت‌های سازنده مترو، فرودگاه‌ها و بنادر، متعلق به سپاه پاسداران است و سپاه بخش قابل توجهی از اقتصاد ایران را در اختیار دارد، مشکل است تصور نمود که تحریم‌ها تأثیری بر مردم نخواهد داشت.

در هر صورت تأثیرگذار بودن تحریم‌های مورد بحث فعلی بسیار مورد تردید است. به عنوان مثال در نظر است که ممنوعیت سفر و مسدود کردن موجودی حساب‌های بانکی شامل حال تعدادی دیگر از مدیران سپاه شود. اما کاملاً مشخص نیست که اساساً این افراد کدام حساب بانکی و تحت

^۸ برگرفته از:

<http://wonkroom.thinkprogress.org/2010/02/16/gas-sanctions-would-hurt-goal-of-targeting-irans-revolutionary-guards/>

^۹ برگرفته از اخبار بی‌بی‌سی مورخ ۴ مارس ۲۰۱۰:

http://news.bbc.co.uk/1/hi/middle_east/8549183.stm

^{۱۰} برگرفته از: ابوالحسن بنی‌صدر. "To bash them is to help them"، اینترنشنال هرالڈ تریبون، ۱۰ مارس ۲۰۱۰

چه نامی در اختیار دارند. ممنوعیت معامله با برخی از بانک‌های ایرانی و یا دشواری امر حمل و نقل و بیمه برای صادرات و واردات ایران نیز احتمالاً در بهترین شرایط عواقب اقتصادی حاشیه‌ئی به دنبال خواهد داشت. هرچند دشواری شرایط برای خرید کالاها و خدمات باعث گرانی این خریدها برای ایران خواهد شد، اما با توجه به موقعیت راهبردی ایران، منابع عظیم نفت و گاز این کشور و همچنین روابط بازرگانی گسترده و در حال رشد ایران در خاور نزدیک، با پاکستان، هندوستان، مالزی، چین و روسیه، به انزوا کشاندن ایران قابل تحقق نیست.

ایران به این دلیل و نیز به سبب تجربیات سالیان طولانی تحریم، امکانات کافی برای دور زدن یا جبران تحریم‌ها در اختیار دارد. مسئله آخر خصوصاً در صورتی مصداق خواهد داشت، که تحریم‌ها نه در سطح جهانی، بلکه از سوی "ائتلاف داوطلبان" تصویب شود.

امکان تصویب تحریم‌های اساسی در شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز همان قدر ضعیف است که امکان مطیع کردن ایران از راه تحریم‌ها. چین و روسیه نسبت به کار آئی تحریم‌ها بدگمان‌اند. هر چند رئیس‌جمهور روسیه تحریم‌های گسترده‌تر را - در صورت عدم همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی - اساساً نفی نکرد، اما دامنه‌ی تحریم‌ها را محدود کرد: "تحریم‌ها باید متعادل و خردمندانه باشد و علیه مردم نباشد"^{۱۱}. وزیر امور خارجه لاوروف نیز همین امر را با جزئیات بیشتر بیان می‌کند و مشخصاً علیه تحریم‌های "فلج‌کننده" موضع می‌گیرد: "هنگامی که از تحریم حمایت می‌کنیم نبایستی از هدف اصلی فراتر رویم که دفاع از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ئی است. ما نمی‌خواهیم که از پیمان منع گسترش به عنوان بهانه‌ئی برای فشردن گلوی ایران استفاده شود و یا تمهیداتی به کار برده شود که وضعیت و سطح زندگی مردم ایران را وخامت بخشد"^{۱۲}.

برزیل نیز که عضو منتخب در شورای امنیت سازمان ملل متحد است، علیه تحریم‌ها سخن می‌گوید و رئیس‌جمهور لولا دو سیلوا اعلام می‌کند: "به تنگنا کشاندن ایران صحیح نیست" و سلسو

^{۱۱} برگرفته از خبرگزاری ریانووستی مورخ ۱ مارس ۲۰۱۰:

Iran sanctions possible, should be wise, balanced – Medvedev” :

<http://en.rian.ru/world/20100301/158056916.html>

^{۱۲} برگرفته از خبرگزاری ریانووستی مورخ ۲۵ فوریه ۲۰۱۰:

Russia's Lavrov says no proof Iran working on nuclear weapons” :

<http://en.rian.ru/russia/20100225/158000894.html>

آموریم، وزیر امور خارجه برزیل نیز به تأیید اضافه می کند: "به نظر ما تحریم اصولاً نتیجه عکس به دنبال دارد"^{۱۳}.

بر اساس این اظهارات اگر هم اساساً تحریم‌های دیگری از سوی شورای امنیت در پیش باشد، همانند تحریم‌های گذشته بیشتر جنبه نمادین خواهند داشت. اما تحریم‌های "ائتلاف داوطلبان"، که سیاستمداران آلمانی و از جمله فیلیپ میسفلدر، سخنگوی سیاست خارجی فراکسیون احزاب دموکرات مسیحی در مجلس آلمان (بونداستگ) موافقت خود را با آن‌ها اعلام کرده است^{۱۴}، فراتر از تحریم‌های نمادین خواهد بود و در درجه اول متوجه شرکت‌های اقتصادی خود این کشورها خواهد بود اما این تحریم‌ها به هیچ وجه تأثیر اقتصادی قابل توجهی نخواهد داشت و به طریق اولی نخواهد توانست در تهران از لحاظ سیاسی تأثیرگذار باشد. این تحریم‌ها در بهترین حالت بیش از "سیاستی نمادین" نخواهد بود که در درجه اول در مردم کشورهای خودشان چنین القا کند که علیه ایران سخت‌گیری به کار می‌رود.

اما تحریم‌های گسترده‌تر چندجانبه و یا تحریم‌های سازمان ملل در عین حال امکانات توافق دیپلماتیک را کاهش می‌دهد و هم در تهران و هم در واشنگتن مواضع اصول‌گرایان را تقویت می‌کند. زیرا در ایالات متحده آمریکا "بازها" از شکست تحریم‌ها قطعاً به عنوان دلیلی برای اقدام نظامی علیه ایران استفاده خواهند کرد. از همه این دلایل نتیجه می‌گیریم که بهترین کار فاصله گرفتن از تحریم‌های بیشتر علیه ایران است.

۳- خطر ایران - به‌رغم مبالغه و اخبار نادرست

تقریباً همه‌روزه از قول سیاستمداران غربی نقل می‌شود که "ایران به دنبال بمب اتمی است" و فحوائی کلام رسانه‌های نیز چنین است. اما دلایل این ادعا به هیچ وجه آشکار نیست. با توجه به تجربه حمله ایالات متحده آمریکا به عراق بر اساس "دلایل" نادرست و بعضاً جعلی، نباید مجدداً دچار اشتباه داوری شتابزده شد.

¹³ هیلاری کلینتون در برزیل، برگرفته از اخبار آسوشینتد پرس مورخ ۳ مارس ۲۰۱۰:

["Brazil rebuffs US, says it will go own way on Iran"](#)

¹⁴ برگرفته از روزنامه راینیشه مرکور مورخ ۲۵ مارس ۲۰۱۰

طبیعتاً نمی‌توان این احتمال را نفی کرد که رهبری ایران طی سالیان طولانی در پی سلاح اتمی بوده است. اگر به این واقعیت توجه کنیم که ایالات متحده آمریکا - به عنوان قدرت نظامی مسلط در خاور میانه و جهان، ایران را "دشمن" تلقی و دائماً تهدید به حمله نظامی می‌کند، در نتیجه می‌توان تمایل ایران به داشتن سلاح اتمی را از جنبه امنیتی کاملاً مستدل تلقی کرد این امر به خصوص هنگامی مصداق دارد که به تفاوت نحوه برخورد آمریکا با "دشمنان" دیگر توجه شود یعنی حمله نظامی به دشمنانی مانند عراق و افغانستان - که فاقد سلاح اتمی اند - و عدم حمله نظامی و عدم تهدید به حمله نظامی در مورد کره شمالی که دارای مواد هسته‌ئی قابل تبدیل به سلاح اتمی است. در میان محافظه کاران افراطی در ایران نیز صداهایی به گوش می‌رسد که ایران دارای بمب اتمی را بهترین پناه در مقابل حمله ایالات متحده آمریکا می‌دانند.^{۱۵} و همچنین در نظرسنجی‌ها نیز حدود نیمی از ایرانی‌ها هدف ایران برای دسترسی به بمب اتمی را در بلندمدت "مهم" یا "بسیار مهم" می‌دانند.^{۱۶}

البته رهبری ایران همواره تکرار کرده است که در صدد دسترسی به سلاح اتمی نیست و برای این امر دلایل مهمی برمی‌شمرد که دست کم بایستی از این دلایل مطلع شد. یک دلیل، دین اسلام ذکر می‌شود که با سلاح اتمی قابل انطباق نیست زیرا بر اثر آن توده‌های عظیم انسان‌های بی‌گناه کشته می‌شوند. به همین دلیل آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب و عالی‌ترین مقام حکومتی ایران، در سال ۲۰۰۴ علیه سلاح‌های اتمی "فتوا" صادر کرده است. از سوی دیگر نیز دلایل سیاسی - راهبردی عنوان و گفته می‌شود که امنیت ایران در صورت در اختیار داشتن سلاح‌های اتمی افزایش نخواهد یافت. به عنوان مثال علی لاریجانی، دبیر سابق شورای امنیت ملی و رئیس فعلی مجلس ایران چنین می‌گوید: "در صورتی که ما سلاح‌های اتمی در اختیار داشته باشیم، در منطقه مسابقه تسلیحاتی آغاز خواهد شد"^{۱۷}.

¹⁵ به عنوان مثال روزنامه محافظه‌کار افرافی کیهان در روز ۱۲ فوریه توصیه می‌کند:

"to plan for acquiring the knowledge and the ability to produce nuclear weapons which are necessary for the Äpreparation of the next phase in the future battlefield."

برگرفته از:

Takeyh, Ray. *Hidden Iran*, New York 2006, p. 150

¹⁶ مقایسه کنید با:

["Results of a New Nationwide Public Opinion Survey of Iran before the June 12, 2009 Presidential Elections"](#)

که توسط مرکز زیر انجام شده است:

Terror Free Tomorrow (The Center for Public Opinion ("TFT"), the New America Foundation, and KA Europe SPRL)

¹⁷ مصاحبه علی لاریجانی با روزنامه زودویچه تسایتونگ مورخ ۱۲ فوریه ۲۰۰۷

و آنگهی برای بسیاری از تمهیدات دولت ایران در زمینه برنامه هسته‌ئی، دلایل دیگری به جز آن که ایران در پی سلاح اتمی است، نیز متصور است. به عنوان مثال با توجه به تلاش‌های موفقیت‌آمیز ایالات متحده برای مانع‌شدن از همکاری هسته‌ئی ایران و کشورهای دیگر در سالیان گذشته و هم‌چنین تجربیات ضدونقیض ایران با روسیه به عنوان شریک همکاری هسته‌ئی می‌توان گفت که هدف دسترسی به غنی‌سازی ملی مستقل به منظور تأمین سوخت ۲۰ نیروگاه اتمی برنامه‌ریزی شده، کاملاً معقول به نظر می‌آید. البته پنهان‌کاری ایران در مورد فعالیت‌های هسته‌ئی خود و از جمله در باره وجود تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم نظیر قبل از شروع به کار این تأسیسات - که در چهارچوب قرارداد منع گسترش سلاح‌های اتمی کاملاً قانونی است - به حق سوءظن برانگیز است. اما این مسئله را می‌توان با این واقعیت توجیه کرد که ایران با توجه به سیاست و تحریم‌های ایالات متحده، اساساً راه‌حل دیگری برای توسعه فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ئی نمی‌دید.

نگاهی دقیق‌تر به "واقعیت‌هائی" نیز که اخیراً به عنوان مدرک مستدل برای اثبات تلاش ایران برای دسترسی به سلاح‌های هسته‌ئی ارائه شده است، روشن می‌کند که این مدارک آن‌طور که عنوان می‌شود، واضح و مبرهن نیست. به عنوان مثال رئیس‌جمهور اوباما به همراه سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه و براون، نخست‌وزیر بریتانیا، ساخت تأسیسات زیرزمینی غنی‌سازی در نزدیکی شهر قم را که تا سپتامبر گذشته از سوی ایران علنی نشده بود، به عنوان دلیل متقن برای اثبات قصد ایران به ساخت سلاح اتمی اعلام و در بیانیه‌ئی اظهار کردند: "اندازه و شکل‌بندی این تأسیسات قابل انطباق با برنامه صلح‌آمیز نیست"^{۱۸}. دولت ایران علیه این اظهارات اعتراض کرد و اظهار داشت که این تأسیسات به این منظور ساخته شد که حتی در صورت حمله نظامی احتمالی به تأسیسات غنی‌سازی نظیر نیز توانائی فنی ایران در رابطه با غنی‌سازی تضمین شود. پنج ماه بعد دنیس بلر، رئیس‌کل سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده نیز از این قطعیت اظهار شده توسط اوباما فاصله گرفت و در کمیسیون کنگره آمریکا اعلام کرد: "روشن نیست که آیا انگیزه ایران متفاوت با اظهارات رسمی ایران باشد که گفته است هدف از ساخت این تأسیسات آن است که دانش فنی غنی‌سازی در صورت حمله نظامی نیز در دسترس باشد"^{۱۹}.

18

[Statement by Obama, Sarkozy and Brown on Iran's Nuclear Facility; Pittsburgh](#) , 25. September 2009

19

Dennis C. Blair, Director of National Intelligence; 2. Februar 2010, ["Annual Threat Assessment of the US Intelligence Community for the Senate Select Committee on Intelligence"](#), S. 13

گزارش مورخ فوریه ۲۰۱۰ یوکیا آمانو، مدیر کل جدید آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای که از سوی رسانه‌ها غالباً تحریف و بزرگنمایی شد^{۲۰}، نیز حاوی هیچ‌گونه – و به هیچ وجه آن‌طور که رسانه‌ها به دفعات مدعی شدند – "مدارک" "جدیدی" برای اثبات تلاش ایران برای دستیابی به کلاهک‌های سلاح اتمی نیست. بلکه در این گزارش پرسش‌هایی تکرار شده است که قبلاً به دفعات و طی مدت طولانی در باره احتمال استفاده نظامی از فعالیت‌های ایران در گزارش‌های آژانس مطرح شده بود. غیر از آن که مدیر کل آژانس شخص دیگری است، تنها مسئله جدید در این گزارش، عبارت‌بندی جدیدی است با این مضمون که به نظر می‌رسد برخی از فعالیت‌های ایران که باعث نگرانی آژانس بود، "پس از سال ۲۰۰۴ نیز ادامه یافته است"^{۲۱}.

نه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نه رسانه‌ها، دلیلی برای اثبات این فرضیه ارائه نکرده‌اند که ایران فعالیت‌های خود را در جهت دستیابی به سلاح اتمی پس از آن که در سال ۲۰۰۳ به آن پایان داده بود، مجدداً از سر گرفته است و این فرضیه مغایر برآورد سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده در سال ۲۰۰۷ است که تا به امروز نیز در آن تغییری داده نشده است.

شاید این فرضیه از جمله بر اساس اطلاعات و "تحلیل‌های" سرویس اطلاعاتی آلمان باشد که در سال ۲۰۰۸ در طی محاکمه‌ای در فرانکفورت در مورد صادرات غیرقانونی به ایران از این نظریه دفاع کرد که ایران به فعالیت‌های خود در زمینه سلاح‌های اتمی ادامه می‌دهد. اما دادگاه عمومی عالی فرانکفورت اظهارات سرویس اطلاعاتی آلمان را "بسیار مبهم" ارزشیابی کرد^{۲۲}. مدارک سری سرویس اطلاعاتی آلمان که متعاقباً به دادگاه ارائه شد، نیز مطابق نظریه دادگاه، فقط حاوی قرائن و شواهدی بود مبنی بر آن که ایران پس از سال ۲۰۰۳ نیز فعالیت‌هایی در زمینه خرید کالاهای دو منظوره داشته است و همچنین حاوی مقایسه خریدهای خارجی ایران با پاکستان و کره

²⁰ در این زمینه مراجعه کنید به تحلیل‌هایی که رسانه‌ها را نقد کرده‌اند و از جمله:

„Read the IAEA Reports on Iran“, 28. Februar 2010; Walter van Rossum: „Die Politik des Verdachts“, WDR-5 „Politikum“ vom 1. März 2010

21

IAEA, Implementation of the NPT Safeguards Agreement and relevant provisions of Security Council resolutions 1737 (2006), 1747 (2007), 1803 (2008) and 1835 (2008) in the Islamic Republic of Iran, [Report by the Director General, GOV/2010/10, 18. Februar 2010](#), S. 9

²² برگرفته از:

Oliver Meier, 29 Juli 2009: [Iran Weaponization Intel: A Cautionary Note](#)

شمالی بود.^{۲۳} این که سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده هنوز این "مدارک" سرویس اطلاعاتی آلمان را تأیید نکرده اند نیز مبین آن است که این مدارک قابل تفسیر و مناقشه‌برانگیزاند. بیشتر دلایلی که برای فعالیت‌های ایران در جهت دسترسی به سلاح اتمی می‌شود بر اساس "به اصطلاح مطالعاتی (alleged studies)" است که ظاهراً از سوی یک دانشمند هسته‌ئی ایرانی به دست سرویس اطلاعاتی آلمان رسیده و از طریق ایالات متحده آمریکا به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تحویل داده شده است. این "مطالعات" منحصراً متعلق به دوره منتهی به سال ۲۰۰۳ است و از سوی ایران جعلی اعلام شده است. در باره صحت و سقم این مسئله نمی‌توان داوری کرد اما به نظر می‌سد که تردید در باره اصالت این "مطالعات" به جا باشد. دولت آمریکا از چندین سال پیش مدعی است که این مطالعات بر روی "رایانه قابل حمل (لپ‌تاپ)" بوده است اما این لپ‌تاپ را برای آزمایش اصل بودن مطالب در اختیار هیچ مرجعی قرار نداده است. در حال حاضر برملا شده است که داستان لپ‌تاپ مصداق ارائه آگاهانه اطلاعات نادرست است. اکنون عنوان می‌شود که این "مطالعات" توسط همسر یکی از دانشمندان هسته‌ئی ایران و عامل سرویس اطلاعاتی آلمان - که در این میان در گذشته است - به خارج از کشور برده شده است و سپس توسط سرویس اطلاعاتی آلمان به سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا تحویل داده شد.^{۲۴} این که سیا و سرویس اطلاعاتی آلمان سالیان طولانی با افکار عمومی جهان بازی کرده‌اند، دلیلی بر جعلی بودن این مدارک نیست، اما قابلیت اعتماد آن‌ها را زیر سؤال می‌برد. در قسمتی از بخش‌های منتشر شده این "مطالعات" تناقض‌های منطقی وجود دارد.^{۲۵}

ایران یقیناً به سلسله پرسش‌هایی در باره فعالیت‌هایی که احتمالاً مرتبط به سلاح‌های اتمی است، پاسخ نداده است و قطعاً باید همکاری خود را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این زمینه بهبود بخشد. اما شایسته است از تفاسیر یک‌جانبه و یا اغراق در باره خطرات دوری جست. بایستی در نظر داشت که کلیه تأسیسات هسته‌ئی شناسائی شده ایران - شامل تأسیسات غنی‌سازی نطنز، رآکتور بوشهر و غیره - در ایران تحت نظارت آژانس قرار دارد. و هیچ‌جا از تأسیسات

^{۲۳} مراجعه کنید به پانویس شماره ۲۲
^{۲۴} مقایسه کنید با:

ISIS-Report, 2. Oktober 2009: ["Excerpts from Internal IAEA Document on Alleged Iranian Nuclear Weaponization"](#)

^{۲۵} مقایسه کنید با

Porter, Gareth: ["Documents linking Iran to nuclear weapons push may have been fabricated."](#) 10. November 2008;

شناسائی نشده‌ئی ذکر شده است که ایران بتواند در آن‌ها به طور مثال به غنی‌سازی بپردازد. احتمالاً امکان پنهان کردن موجودیت چنین تأسیساتی با توجه به امکانات شناسائی ماهواره‌ئی سرویس‌های اطلاعاتی غربی وجود ندارد. بنابراین اگر ایران بخواهد اورانیوم را در سطح بالا و برای استفاده در جهت ساخت سلاح اتمی غنی‌سازی، امکان مخفی‌کاری وجود ندارد و این امر بلافاصله برملا خواهد شد مگر آن که پیش از آن بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را اخراج کند که در این صورت نیز شک برانگیز خواهد بود. حتی اگر ایران امروز چنین تصمیمی بگیرد، بر اساس اظهارات دنیس بلر، رئیس سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده در فوریه ۲۰۱۰ "از لحاظ فنی نیاز به چند سال زمان دارد تا بتواند اورانیوم مورد نیاز برای یک سلاح اتمی را تولید کند"^{۲۶}. برای رسیدن به یک تصویر واقعی باید ارزیابی‌های زیر را نیز در نظر گرفت که در تضاد با عقاید هشداردهنده است:

- این تهدید در روسیه و چین متفاوت با ایالات متحده آمریکا درک شده است. مثلاً لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در فوریه ۲۰۱۰ بار دیگر اعلام کرد: "هیچ دلیلی مبنی بر آن که ایران تصمیم گرفته است سلاح اتمی تولید کند، وجود ندارد"^{۲۷}.
- محمد البرادعی به عنوان مثال در اکتبر ۲۰۰۹ که هنوز مدیر کل آژانس بود، چنین ارزیابی کرد: "ما دلیلی برای اثبات این امر نداریم که ایران واقعاً در حال ساختن بمب است... به نظر من در مورد تهدید برنامه اتمی ایران غلو می‌شود. من گمان نمی‌کنم که ما فردا صبح بیدار شویم و متوجه شویم که ایران دارای سلاح اتمی است"^{۲۸}.
- نظر دنیس بلر، رئیس سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده نیز آن است که ایران هنوز تصمیمی برای دسترسی به سلاح اتمی نگرفته است. وی در ماه فوریه ۲۰۱۰ اعلام کرد: "ما هنوز اعتقاد داریم که ایران گزینه دسترسی به سلاح اتمی را هم‌چنان باز گذاشته است... اما نمیدانیم که آیا ایران چنین تصمیمی خواهد گرفت... ما هم‌چنان معتقدیم که تصمیم‌گیری

26

Dennis C. Blair, Director of National Intelligence; 2. Februar 2010, "[Annual Threat Assessment of the US Intelligence Community for the Senate Select Committee on Intelligence](#)", S. 13

²⁷ برگرفته از ریا نویستی مورخ ۲۵ فوریه ۲۰۱۰:

["Russia's Lavrov says no proof Iran working on nuclear weapons"](#)

²⁸ مصاحبه محمد البرادعی با "Die Presse"، "EIBaradei: ["Gefahr einer Atomexplosion wurde größer"](#)، نسخه کامل، ۱۷ اکتبر ۲۰۰۹.

در ایران بر اساس تحلیل محاسبات سود و زیان انجام خواهد کرد، که در نتیجه جامعه بین-المللی امکان تأثیر گذاشتن بر تهران را در اختیار خواهد داشت^{۲۹}.

این امکان وجود دارد که ایران قصد داشته باشد به مدد داشتن ظرفیت غنی سازی اورانیوم، شرایط فنی مورد نیاز برای تولید سلاح اتمی را فراهم کند اما نخواهد از "خط قرمز" عبور کند و واقعاً سلاح هسته‌ئی تولید کند. بدین ترتیب همان گونه که جوزف نای، معاون وزیر دفاع آمریکا در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون و استاد دانشگاه هاروارد بیان می‌کند، "هنر سیاست در آن است که تهران را متقاعد کند راه ژاپن را در پیش گیرد. ژاپنی‌ها انرژی هسته‌ئی در اختیار دارند و قادرند بمب اتمی تولید کنند اما تصمیم به ساخت بمب ندارند"^{۳۰}.

۴- حمله نظامی، سیاست بازدارنده و سیاست یا مهارکننده ("containment") و خطرات ناشی از آن

هرچند در آمریکا صدای کسانی که طرفدار حمله نظامی به ایران‌اند، بیشتر به گوش می‌رسد و دولت اوباما نیز همواره تکرار می‌کند که همه گزینه‌ها "روی میز" است اما حداقل در حال حاضر به نظر نمی‌رسد که گزینه‌ی نظامی از سوی دولت و ارتش ایالات متحده آمریکا و یا متحدان غربی‌اش به طور جدی دنبال شود و روسیه، چین و سایر کشورها نیز اساساً مخالفت حمله نظامی‌اند.

دلیل این امر نه تنها درگیر بودن ایالات متحده در دو جنگ و به تبع آن، عدم تمایل‌شان به گشودن جبهه‌ی دیگر نظامی و سیاسی است، بلکه علاوه بر آن، این نظر عمومیت یافته است که حمله به ایران و یا حمله به تأسیسات هسته‌ئی ایران حداقل "سود"، اما عواقب منفی تعیین-کننده‌ئی در پی خواهد داشت.

29

Dennis C. Blair, Director of National Intelligence; 2. Februar 2010: ["Annual Threat Assessment of the US Intelligence Community for the Senate Select Committee on Intelligence"](#), S. 13

³⁰ مصاحبه جوزف نای با مجله اشپیکل مورخ ۱۷ اگوست ۲۰۱۰:

Joseph Nye in: Der Spiegel vom 17. August 2010, [SPIEGEL-GESPRÄCH „Ein Amerika, das zuhört“](#)

شاید برنامه هسته‌ئی ایران بر اثر حمله برای مدت چندین سال به تعویق افتد، اما در این صورت باید یقین داشت که در ایران نیروهائی قدرت را به دست خواهند گرفت که در تلاش ساخت سریع بمب اتمی خواهند بود. در عین حال باید در صورت انجام اقدام نظامی، تصور کرد که ایران به حمله متقابل نظامی به تأسیسات ایالات متحده آمریکا و اسرائیل در منطقه و بستن تنگه هرمز دست خواهد زد. نتیجه‌ی این حمله، جان‌سپردن صدها هزار انسان خواهد بود. از سوی دیگر اقتصاد جهانی نیز به شدت تحت تأثیر قرار خواهد گرفت زیرا در این صورت قیمت نفت تا سطح دو برابر افزایش خواهد یافت. علاوه بر آن اعتبار بین‌المللی ایالات متحده و سایر کشورهائی که برخلاف قوانین بین‌المللی از حمله به ایران حمایت کنند - به‌ویژه در جهان اسلام - دچار صدمات عمیق و ماندنی خواهد شد. در صورت حمله نظامی به ایران تصور حصول به صلح در خاور میانه همان‌قدر دشوارتر خواهد شد که پیشبرد روند ثبات در عراق و افغانستان.

حتی اگر حمله نظامی "فقط" از سوی اسرائیل انجام شود، انجام این حمله اساساً بدون حمایت ایالات متحده و متحدانش که حریم هوائی را در منطقه در اختیار دارند، امکان‌پذیر نخواهد بود. اگر ایالات متحده بخواهند مانع "تک‌روی" دولت اسرائیل شود، کافی است به اسرائیل صراحتاً اعلام کنند که اگر هواپیماهای اسرائیلی به سوی ایران پرواز کنند، در حریم هوائی عراق و یا ترکیه به آن‌ها شلیک خواهد شد. طبیعتاً اگر اتحادیه اروپائی و کشورهای عضو این اتحادیه، اسرائیل را به نحو آشکار و علنی از حمله مغایر با قوانین بین‌الملل به ایران برحذر بدارند، کمک بزرگی به ممانعت از حمله خواهد کرد.

با توجه به "زیان‌های" آشکار حمله نظامی به ایران، به طور روزافزون استراتژی بازدارنده و همچنین استراتژی مهارکننده ("containment")³¹ به عنوان "گزینه‌های" ممکن مورد بحث و در برخی موارد اجرا می‌شود.

بدون هیچ تردیدی باید در مورد این مسئله اندیشید، که حتی اگر هم ایران به بمب اتمی دسترسی پیدا کند، هیچ دلیلی وجود ندارد که تصور شود ایران از این سلاح هسته‌ئی به جز به منظور ایجاد هراس و بازداشتن از حمله استفاده کند.

³¹ مقایسه کنید با از جمله:

تصورِ حمله تهران با سلاح اتمی به تل آویو و یا حتی برلین یا واشنگتن بی معنا است زیرا چنین حمله‌ئی به معنای خودکشی خواهد بود. رهبری جمهوری اسلامی ایران متشکل از کسانی نیست که قصد خودکشی داشته باشند، بلکه اصلی‌ترین هدف‌شان، بقای نظام کشور است. حتی ایهود باراک، وزیر دفاع اسرائیل نیز با آن که به هیچ وجه شهرت به "کبوتر" بودن ندارد، همین نظر را دارد: "من فکر می‌کنم که اگر هم ایرانی‌ها مجهز به بمب باشند، همسایگان خود را هدف قرار نخواهند داد زیرا به خوبی می‌دانند که عواقب این حمله چه خواهد بود. آن‌ها افراطی هستند ولی به کلی دیوانه نیستند، فرآیند تصمیم‌گیری تکامل یافته‌ئی دارند و واقعیت را درک می‌کنند"^{۳۲}.

زیبگنیف برژینسکی، "رجل سیاسی کهنه کار" و مشاور سابق امنیتی ایالات متحده نیز معتقد است: "شاید ایرانی‌ها خطرناک، ستوه‌آور و ریاکار باشند اما قطعاً در تاریخ کشورشان هیچ نشانه‌ئی یافت نمی‌شود دال بر آن که گرایش به خودکشی داشته باشند."^{۳۳}.

همان‌طور که سلاح‌های اتمی ایالات متحده بر حریفان بسیار قوی‌تری مانند اتحاد جماهیر شوروی و چین تأثیر بازدارنده داشت، سلاح‌های اتمی اسرائیلی و آمریکائی بر ایران اتمی نیز تأثیر بازدارنده‌ی خود را خواهد داشت. ادعاهایی مانند آن که بمب اتمی ایران موجب "تهدید موجودیت اسرائیل و تهدید امنیت جهان" است، از واقعیت دور و بسیار پراغراق است. ژنرال آمریکائی جان ابیساید، که ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ مسئول منطقه خاور نزدیک بود، چنین می‌گوید: "من از لحاظ نظامی اعتقاد دارم که می‌توان بر ایران تأثیر بازدارنده داشت"^{۳۴}.

³² اخبار آسوشیند پرس مورخ ۲۶ فوریه ۲۰۱۰:

Robert Burns: ["Israeli defense chief doubts Iran would use a nuclear weapon against Israel"](#)

³³ برگرفته از اینترنشنال هرالڈ تریبون، مورخ ۱۵ مارس ۲۰۱۰:

International Herald Tribune v. 15. März 2010 David E. Sanger: ["Containing Tehran in a new nuclear age"](#)

³⁴ برگرفته از آسوشیند پرس مورخ ۲۷ اکتبر ۲۰۰۹:

Robert Burns: Analysis: ["US making plans for Iran nuke strategy"](#)

و همچنین:

Bertram, Christoph: *Partner, nicht Gegner. Für eine andere Iran-Politik*. Edition Körber-Stiftung, Hamburg 2008

این بحث که ایران مجهز به سلاح اتمی لزوماً تأثیر دو مینوئی در منطقه به دنبال خواهد داشت و کشورها یکی پس از دیگری در پی تجهیز به سلاح اتمی خواهند بود، نیز به همان میزان غیرمعتبر است. غالباً از ترکیه به عنوان کشوری نام برده می‌شود که در چنین صورتی به دنبال سلاح اتمی خواهد بود. اما از کشور ترکیه هیچ صدائی به گوش نمی‌رسد که دال بر چنین نیتی باشد. ترکیه نه تنها همسایه ایران و دارای روابط خوب با ایران است بلکه در عین حال عضو پیمان ناتو و تحت حمایت هسته‌ئی ایالات متحده آمریکا است.

نه ترکیه و نه کشورهای عربی مصر و عربستان سعودی به دلیل مورد تهدید قرار گرفتن از سوی بمب‌های اتمی اسرائیل، برنامه اتمی مستقلی آغاز نکرده‌اند و به هیچ وجه اثبات شده نیست که این کشورها سلاح اتمی ایران را چنان تهدیدی برای خود بدانند که آنان را مجبور کند به سلاح هسته‌ئی مجهز شوند. این کشورها حتی اگر هم احساس تهدید کنند می‌توانند آسان‌تر و با هزینه به مراتب کمتر، گزینه دیگری را انتخاب کنند و تحت پوشش هسته‌ئی ایالات متحده قرار گیرند.

و در نهایت تحولات جنوب شرق آسیا نشان می‌دهد که الزاماً گسترش سلاح هسته‌ئی در پی نخواهد بود زیرا کره شمالی از چندین سال پیش ماده قابل شکافت مورد نیاز برای تولید سلاح اتمی در اختیار دارد، بدون آن که به عنوان مثال در کره جنوبی و ژاپن مسابقه تسلیحاتی بمب اتمی آغاز شده باشد.

به رغم همه این مسائل، بمب اتمی ایران چه در منطقه و چه از لحاظ سیاست جهانی عواقب منفی در پی خواهد داشت زیرا در منطقه‌ئی که به خودی خود در حال انفجار است، موجب عدم ثبات بیشتر خواهد شد. البته سناریوهای فاجعه‌باری که غالباً ترسیم می‌شود، مستدل نیست و طراحان این سناریوها چشم خود را بر راه‌حل‌ها و رویکردهای مسالمت‌آمیز واقع‌گرایانه می‌بندند.

در حال حاضر هنوز بازدارندگی هسته‌ئی به عنوان یکی از راهبردهای ممکن در مقابل ایران هسته‌ئی، در مرحله بررسی قرار دارد زیرا ایران هنوز سلاح اتمی در اختیار ندارد و حتی اگر هم رهبری ایران امروز تصمیم به تولید سلاح اتمی بگیرد، برای تحقق این امر به سال‌ها وقت نیازمند است. اما در عوض بازدارندگی متعارف از سوی ایالات متحده آمریکا مدت مدیدی

است که با مسلح کردن منطقه با مدرن‌ترین سلاح‌های متعارف در حال انجام است. این برنامه تسلیحات با مصوبه دولت بوش آغاز شد که بر اساس آن قرار است تا سال ۲۰۱۷ سیستم‌های تسلیحاتی به ارزش ۲۰ میلیارد دلار آمریکائی به عربستان سعودی و کشورهای کوچک حاشیه خلیج فروخته شود. و در همین مدت قرار است که آمریکا به مصر سلاح‌هایی به ارزش ۱۳ میلیارد دلار و به اسرائیل حتی سلاح‌هایی به ارزش مجموعاً ۳۰ میلیارد دلار اهدا کند.

دلیل این تسلیح در منطقه چنین بیان می‌شود که باید با ایران - که ادعا می‌شود توسعه طلب است - مقابله نظامی کرد: از این راه می‌توان کشورهای عربی را از دست یافتن به سلاح اتمی منصرف کرد و نیز اسرائیل را "آرام" ساخت و از حمله نظامی به ایران منصرف کرد.^{۳۵} به این منظور ایالات متحده آمریکا از جمله در هر یک از ۴ کشور قطر، بحرین، امارات متحده عربی و کویت، دو سیستم دفاع موشکی پاتریوت مستقر کرده است و در کشورهای عربستان سعودی و اسرائیل نیز این سیستم دفاع موشکی وجود دارد. به گفته ژنرال آمریکائی داوید پترئوس، رزمناوهای آمریکائی اگیس که به سیستم ضد موشکی مجهزاند، به طور مستمر در خلیج فارس مستقراند.^{۳۶}

قاعدتاً بایستی در تهران این "استراتژی مهار" نظامی ایران، به عنوان دلیلی بر اهداف خشونت-آمیز ایالات متحده آمریکا برداشت شود. زیرا تسلیح خاور نزدیک با سیستم‌های ضد موشکی آمریکائی منحصراً مصرف دفاعی ندارد بلکه این سیستم‌ها را می‌توان در صورت حمله ایالات متحده به ایران نیز به کار گرفت. در این صورت می‌توان از این سیستم‌ها برای خنثی‌سازی ضد حمله‌های احتمالی ایران استفاده کرد. همان‌گونه که تکرار آن که "همه گزینه‌ها روی میز است"، موجب بدگمانی ایران می‌شود، بایستی قاعدتاً مسلح کردن منطقه نیز در ایران باعث تشدید بدگمانی نسبت به اهداف ایالات متحده آمریکا بشود، از پیشبرد پیشنهاد اوباما برای "گفتگو" ممانعت کند در زمینه مناقشه هسته‌ای نیز بخت رسیدن به یک مصالحه را به شدت کاهش دهد.

³⁵ مقایسه کنید با:

New York Times, 30. Januar 2010; David Sanger und Eric Schmitt: ["U.S. Speeding Up Missile Defenses in Persian Gulf"](#)

³⁶ مراجعه کنید به پانویس شماره ۳۵

۵- سیاست غرب در قبال ایران و تحول دموکراسی در ایران

ارزیابی و نحوه درک تحولات داخلی ایران بر سیاست ایالات متحده آمریکا و دولت‌های غربی تأثیر می‌گذارد. ایالات متحده در طول دهه‌های گذشته از "تغییر رژیم" حمایت کرده است. رویدادهای آخرین انتخابات ریاست جمهوری در ماه ژوئن ۲۰۰۹ و حوادث پس از آن روشن کرد که بخشی از مردم در قالب "اپوزیسیون سبز" به دنبال دموکراتیزه کردن کشوراند. البته نباید نادیده گرفت که بخش عمده این اپوزیسیون، نظام "جمهوری اسلامی" را اساساً زیر سؤال نمی‌برد. به علاوه نباید از یاد برد که رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد نیز نماینده بخش قابل توجهی از مردم است. هر چند که پس از انتخابات در ژوئیه ۲۰۰۹ به نظر می‌رسید که دولت و حاکمیت، برای مدتی تضعیف شده باشد و در صفوف محافظه‌کاران نیز کمافی‌السابق اختلاف نظر وجود دارد، اما روشن است که در حال حاضر انتظار وقوع یک "انقلاب" نمی‌رود. زیرا تعداد طرفداران احمدی‌نژاد در میان مردم هنوز زیاد، نظام قدرت کاملاً یک‌دست و اپوزیسیون بیش از حد ضعیف است.^{۳۷}

محدود کردن و سرکوبی آزادی عقیده و اجتماعات، بازداشت‌های مستبدانه منتقدان، برخورد بیرحمانه با تظاهرکنندگان و احکام اعدام در ایران را باید محکوم کرد اما مردم ایران بایستی در باره آینده کشورشان تصمیم‌گیری نمایند. به راه انداختن و هدایت تغییر رژیم ایران از خارج از کشور توسط ایالات متحده آمریکا یا دولت‌های دیگر - چه با استفاده از روش‌های غیر نظامی و چه به مدد حمله نظامی - نه از نظر اخلاقی قابل دفاع است و نه موفقیت‌آمیز خواهد بود. بلکه برعکس هر گونه حمایت مستقیم یا مخفیانه خارجی از اپوزیسیون، باعث تقویت مواضع صاحبان قدرت در تهران می‌شود.

هر کسی که به پیشرفت روند دموکراسی در ایران علاقمند است، باید تمام تلاش خود را برای تشنج‌زدائی وضعیت بین‌المللی ایران بنماید. هر گونه وخامت در روابط بین‌المللی ایران، تمهیدات ضددموکراتیک بیشتری در داخل ایران و تضعیف اپوزیسیون دموکرات را به دنبال خواهد داشت.

³⁷ مقایسه کنید با:

Flynt Leverett/Hillary Leverett: ["Another Iranian Revolution? Not Likely"](#); in: New York Times, 5. Januar 2010

برنامه‌های ایالات متحده - شامل عملیات سری، تهدید به حمله نظامی، تحریم‌های گسترده‌تر اقتصادی که ضرر آن‌ها به طور مستقیم و یا مستقیم متوجه مردم ایران است -، هدایائی است به صاحبان قدرت در تهران و سیلی به چهره اپوزیسیون دموکرات. به همین دلیل نیز نمایندگان جنبش "سبز" به دفعات و قاطعانه مخالفت خود با تحریم و حمله نظامی اعلام کرده‌اند.^{۳۸}

بهترین راه برای رسیدن به یک راه حل سیاسی برای حل مناقشه هسته‌ئی با ایران، منزوی کردن ایران و مقابله با آن نیست، بلکه سیاست تشنج‌زدائی، دیالوگ واقعی، و آمادگی برای مصالحه - خصوصاً از سوی ایالات متحده آمریکا - است. این امر در میان مدت و بلندمدت نیز بهترین راه حمایت از روند دموکراسی در ایران است.

۶- تعیین اهداف واقع‌بینانه در مورد مذاکرات هسته‌ئی

تاکنون هدف جامعه بین‌المللی تعلیق کامل عملیات غنی‌سازی ایران بوده است و قطعنامه‌های شورای امنیت نیز بر همین مبنا تنظیم شده است. شش قدرت بزرگ شامل ایالات متحده، روسیه، چین، بریتانیا، فرانسه و آلمان نیز در "پیشنهاد" خود به ایران همین موضوع را مطرح کرده‌اند. حتی تعلیق غنی‌سازی در ایران، پیش شرط شروع مذاکرات رسمی اعلام شده است. علیرغم اعلام آمادگی اوباما به انجام بدون پیش شرط مذاکرات، تاکنون نه هدف تغییر یافته است و نه پیش شرط.

اما گسترش عملیات تأسیسات غنی‌سازی نظرنز، به رغم برخی مشکلات فنی، به پیش می‌رود و غنی‌سازی تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام می‌شود. آژانس تاکنون همواره تأیید کرده است که از این تأسیسات هیچ گونه مواد هسته‌ئی خارج نشده و به مصرف دیگری نرسیده است.

حتی اگر هم بهترین راه حل - با توجه خطر گسترش سلاح‌های اتمی - عدم انجام غنی‌سازی اورانیوم و بازپروری سوخت هسته‌ئی در ایران و در کل منطقه خاور میانه و نزدیک باشد، تحقق این هدف ممکن نیست. ایران نه به طور دائم و نه موقت، غنی‌سازی را معلق نخواهد کرد. باید این واقعیت را پذیرفت و دومین راه حل قابل تحقق را یافت. چنین راه‌حلی باید از یک سو به جامعه بین‌المللی تا حدود زیادی اطمینان بخشد که ایران سلاح اتمی تولید نمی‌-

کند و از سوی دیگر تضمین کند که ایران قادر به توسعه برنامه هسته‌ای صلح آمیزی در چهارچوب قرارداد منع گسترش سلاح‌های اتمی خواهد بود و در معرض تهدید به حمله قرار نخواهد گرفت.

چنین مصالحه‌ای می‌تواند از لحاظ فنی چنین تعریف شود که برنامه اتمی ایران حتی المقدور تحت کنترل بین‌المللی انجام شود. این امر بدین معنا خواهد بود که علاوه بر کنترلی که در حال حاضر آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای بر تأسیسات هسته‌ای ایران انجام می‌دهد، ایران باید قطعاً "پروتکل الحاقی" آژانس را نیز تصویب و اجرا کند که به معنای حق بازرسی گسترده‌تری برای آژانس خواهد بود. ایران در گذشته برای مدت محدودی به طور داوطلبانه پروتکل الحاقی را اجرا و بارها تکرار کرده بود که در صورت مناسب بودن شرایط سیاسی آماده است این پروتکل را تصویب کند.

علاوه بر آن باید تلاش شود که ایران تأسیسات غنی‌سازی خود را که در حال حاضر مستقلاً و در کشور ایران اداره می‌شود، در چهارچوب یک کنسرسیوم بین‌المللی اداره کند. در صورت اجرای این روش، اگر ایران بخواهد از مسیر خارج شود مشکلات فنی بیشتری را باید از سر راه بردارد و به عبارت دیگر مدت زمان هشدار بیشتری در اختیار جامعه بین‌المللی خواهد بود. چنین پیشنهادی از سوی توماس پیکرینگ، معاون سابق وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون؛ ویلیام لورز، سفیر سابق ایالات متحده؛ و همچنین جیمز والش، دانشمند، ارائه شد.^{۳۹} ایران نیز بارها اعلام کرده است که آماده است برنامه هسته‌ای خود را از "طریق کنسرسیومی با همکاری کشورهای دیگر اجرا کند"^{۴۰}.

در طی مذاکرات می‌توان سنجد که ایران در اعلام موافقت با کنترل وسیع فعالیت‌های خود تا چه حد جدی است. باید مدنظر قرار داد که در ایران اختلاف‌نظرهای عمیقی هم در داخل

39

Thomas Pickering/ William Luers /James Walsh: ["A Solution for the US-Iran Nuclear Standoff"](#), *New York Review of Books*, Vol. 55, No. 4, 20 März.2008.

همچنین مقایسه کنید با:

James Walsh: „Multilateralizing Iran's fuel cycle: The viable policy option"; in: BICC-Occasional paper: ["New Chances for a Compromise in the Nuclear Dispute with Iran?"](#), März 2009

40

Islamic Republic of Iran. 2006. ["Islamic Republic of Iran's Response to the Package Presented on 6 June 2006."](#) p. 2.

صفوف حاکمان؛ و هم میان حاکمیت از یک سو، و اپوزیسیون سبز و مردم در سوی دیگر، وجود دارد. بر اساس نظرسنجی که در سال ۲۰۰۹ انجام شد، ۷۲ درصد مردم ایران موافق بودند که "در صورتی که از سوی کشورهای دیگر کمک‌های فنی گسترده هسته‌ای در اختیار ایران قرار گیرد، اجازه بازرسی گسترده به آژانس و ضمانت عدم ساخت و در اختیار داشتن سلاح اتمی داده شود"^{۴۱}.

۷- مشارکت دادن ایران - سیاست تشنج‌زدائی به جای منزوی کردن

در طول تاریخ همواره تلاش در جهت دسترسی به سلاح‌های اتمی، به دلیل احساس تهدید شدن بوده است. رؤسای حکومت‌هایی که چنین تصمیماتی گرفته‌اند و ملت‌هایی که از چنین گام‌هایی حمایت کرده‌اند، در درجه اول افزایش امنیت کشور خود را مد نظر داشته‌اند. اما بایستی اندیشید که دسترسی به سلاح اتمی تا چه حد امنیت کشور را افزایش داده است و یا در صورت دسترسی افزایش خواهد داد. در ایران نیز کسانی که از دسترسی به سلاح اتمی حمایت می‌کنند - و تا این لحظه شامل اعضای دولت و رهبران ایران نبوده‌اند - دلیل این امر را وجود تهدید از سوی ایالات متحده آمریکا می‌دانند^{۴۲}. احتمالاً نیمی از مردم ایران که موافق سلاح اتمی‌اند، امیدها و نگرانی‌های مشابهی دارند^{۴۳}.

دلایل کافی برای نگرانی‌های موجود در ایران در مورد امنیت کشور ایران و یا به عبارت دیگر نظام جمهوری اسلامی، هم از تجربیات تاریخی با ایالات متحده آمریکا به دست می‌آید (سقوط دولت منتخب ایران توسط سیا در سال ۱۹۵۳؛ حمایت ایالات متحده از عراق در طول جنگ ایران و عراق؛ اعلام ایران بعنوان یکی از کشورهای "محور شرارت" توسط جورج دبلیو بوش؛ بحث "تغییر رژیم ایران" در ایالات متحده) و هم با توجه به مسلح کردن فعلی منطقه و تهدید به حمله نظامی از سوی ایالات متحده.

⁴¹ مقایسه کنید با:

["Results of a New Nationwide Public Opinion Survey of Iran before the June 12, 2009 Presidential Elections"](#), Question 13 d; durchgeführt von: Terror Free Tomorrow (The Center for Public Opinion ("TFT"), the New America Foundation, and KA Europe SPRL);

⁴² مقایسه کنید با پانویس ۴۱، توضیح شماره ۱۴

⁴³ مقایسه کنید با پانویس ۴۱، توضیح شماره ۱۵

به همین دلایل بهترین راه برای تأثیرگذاری بر بلندپروازی‌های هسته‌ای ایران، تغییر شرایطی است که بر اثر آن تهران احساس می‌کند مورد تهدید قرار دارد. این امر باعث تغییر چشم‌اندازی خواهد شد که موجب حاکمیت چنین تصوراتی در اذهان نخبگان و رهبران ایران است. اما برای تخفیف شرایط تهدید برای ایران، بایستی به جای سیاست مقابله و منزوی‌سازی، به سیاست تشنج‌زدائی رو آورد. زمان آن فرا رسیده است که مجدداً سیاست "هم‌زیستی صلح-آمیز" را به خاطر آورد که به عنوان مثال چندین سال پیش لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، در مورد روابط با ایران پیشنهاد کرده بود.^{۴۴} در این زمینه ایالات متحده آمریکا مسئولیت مهمی بر عهده دارند. البته این تلاش تنها در صورتی نتیجه‌بخش خواهد بود که متحدان آمریکا در پیمان ناتو نیز مصّر به اجرای این سیاست باشند.

چنین تغییر راهبردی به سمت سیاست تشنج‌زدائی باید حاوی نکات زیر باشد:

- تضمین از سوی ایالات متحده آمریکا که ایران مورد حمله قرار نخواهد گرفت؛
- ایجاد یک سازمان کنفرانس منطقه‌ای برای امنیت و همکاری مشترک در خاور نزدیک که در آن ایران، شریک کامل و با حقوق برابر با دیگران باشد؛^{۴۵}
- عادی‌سازی روابط میان ایالات متحده آمریکا و ایران که در درجه اول به معنای پذیرش متقابل دیپلماتیک و هم‌چنین آمادگی لغو تحریم‌های اقتصادی گسترده آمریکا علیه ایران باشد که طی سالیان طولانی اجرا شده است؛
- محتوای پیشنهاد شش کشور به ایران برای حل مناقشه اتمی نیز باید بر اساس سه نکته فوق‌الذکر به طور اساسی بهبود یابد تا دربردارنده انگیزه کافی برای آمادگی ایران به پذیرش پیشنهاد و به همراه آن، حداکثر کنترل بین‌المللی بر برنامه اتمی خود باشد.

44

Lavrov, Sergey: ["Speech in Moscow at the XV Assembly of the Council on Foreign and Defence Policy"](#), 17. März 2007.

45 ار جمله مقایسه کنید با:

Konstantin Kosten, ["Iran einbinden, nicht isolieren"](#); DGAP-Standpunkt, November 2009

طبیعتاً یک دست صدا ندارد و برای تشنج‌زدائی باید هر دو طرف تلاش نمایند. و طبیعتاً این احتمال وجود دارد که اصول‌گرایان در تهران حتی پیشنهادهای اساسی در جهت تشنج‌زدائی را رد کنند به این دلیل که فکر می‌کنند که از وضعیت تقابل در سیاست خارجی، در داخل کشور نفع بیشتری می‌برند. اما نمی‌توان با قطعیت گفت که رهبری ایران مخالف سیاست تشنج‌زدائی گسترده خواهد بود. تا به این تاریخ هنوز پیشنهاد جامعی برای تشنج‌زدائی به ایران نشده است و سخنان جدید باراک اوباما مبنی بر "دیالوگ" و "احترام" در عمل اجرا نشده است. در مقابل، در صورت تغییر مشخص در راهبردها، نیروهای آماده دیالوگ - که در صفوف رهبران ایران نیز وجود دارند - تقویت خواهند شد. احتمالاً حتی اصول‌گرایان هم از تشنج‌زدائی در رابطه با ایالات متحده آمریکا سود خواهند برد و امیدوار خواهند بود که با گسترش سیاست عدم تشنج، قدرت خود را در داخل تحکیم و اهداف خود در منطقه را که شامل افزایش اعتبار و نفوذ است، بهتر متحقق سازند.

به هر حال سیاست فعلی غرب در باره ایران بر مبنای رویارویی و منزوی‌سازی به بن‌بست رسیده است و ادامه آن به مدد تحریم‌های جدید و حتی در صورت بی‌فایده بودن این تحریم‌ها، به مدد حمله نظامی مغایر با حقوق بین‌الملل، خلاف منافع همه خواهد بود:

- خلاف منافع مردم ایران خواهد بود که منافع‌شان در صلح، رفاه اجتماعی و گسترش دموکراسی است. در مقابل، سیاست رویارویی و تحریم باعث تقویت افراطیون خواهد بود، تمهیدات ضددموکراتیک را افزایش خواهد داد و به انزوای نیروهای اپوزیسیون در داخل ایران خواهد انجامید.

- خلاف منافع همسایگان ایران و جامعه بین‌المللی - شامل ایالات متحده آمریکا - خواهد بود. بدون ایران نه می‌توان ثبات در افغانستان و عراق را تضمین نمود و نه مشکل فلسطین را حل کرد.

- خلاف منافع اتحادیه اروپائی خواهد بود که حضور اقتصادی و سیاسی اش در ایران - به عنوان بازار آینده - همواره بیشتر دچار لطمه می شود. اتحادیه اروپائی باید هنگام ارزیابی منافع بلند مدت خود در زمینه امنیت انرژی، منابع گاز و نفت ایران را نیز در نظر بگیرد.⁴⁶

به این دلایل زمان تغییر راهبرد فرا رسیده است. ایالات متحده آمریکا و متحدانش بایستی در اسرع وقت سیاست تشنج‌زدائی و حتی سیاست " امتیازدهی بازدارنده " را در پیش گیرند. قاعدتاً چشم- انداز موفقیت این سیاست روشن تر از ادامه سیاست فعلی خواهد بود.

⁴⁶ در مورد منافع اتحادیه اروپائی مقایسه کنید با: